

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۱ * (۱۶ شعبان ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس امور خارجه و ابراز مسرت از پذیرائی ایشان در ترکیه)
- ۲ (توضیحات آقای وزیر امور خارجه راجع بالغاء امتیاز نطق جنوب و بیانات آقایان مؤید احمدی و عراقی در تایید اقدام دولت)
- ۳ (بقیه شور لایحه تصفیه حساب مندیونین بانک)
- ۴ (تقدیم دو فقره عهد نامه بین دولتین ایران و ترکیه از طرف آقای وزیر)
- ۵ (تصویب دو فقره مرخصی)
- ۶ (تصویب لایحه اعتبار برای تکمیل میز)
- ۷ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه بیستم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

امتیاز داری در بدو امر در مجلس شورای ملی مطرح و مورد تصدیق مجلس واقع شده است از آن زمان تاکنون امر جریان پیدا کرده و مراسلاتی در این باب مبادله شده که چون بعضی از آنها را تلگرافات آژانس رویترز جراید خارجه و داخله منتشر کرده اند برای اینکه خاطر آقایان محترم از مطالب بدروستی آگاه باشد مناسب میدانم عین مراسلات را قرائت کنم و نظر دولت را باطلاع آقایان محترم برسانم . در تاریخ یازدهم آذر از سفارت انگلیس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر)
 صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید؟
 [۲ - توضیحات آقای وزیر امور خارجه راجع به الغاء امتیاز نطق جنوب و بیانات آقایان مؤید احمدی و عراقی در تایید اقدام دولت]
 وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - مسئله العالی

* * * عین مذاکرات مشروح یکصد و نوزدهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین با اجازه - آقایان اشتیانی ، بنکدار - موقر - یار علی - آقا زاده سبزواری - حاج غلامحسین ملک غائبین بی اجازه - آقایان : هزار جریبی - ملک مدنی - تیمور تاش - حاج میرزا حسینخان فاطمی - میرزا سید مهدیخان فاطمی - حاج محمد رضا بهبهانی - میرزا حسینخان قناتار - دکتر امیر اعلم - فزونی - میرزا صادقخان اکبر - مرتضی قلیخان بیات - باستانی - طباطبائی و کیلی دکتر شیخ - حاج حسین آقا مهدوی - چاپچی - وشهری - صفاری - میرزا محمد خان وکیل - حبیبی - دکتر لنگ - ملک زاده آملی - احتشام زاده - عبد الحسین خان دیا - بیات ماکو - همراز - مؤدهی - شریفی - خواجوی - شریعت زاده - اقبال - حکمت - قوام دیرامدگان بی اجازه - آقایان : بقوانی - عراقی - اعظم زنکنه - افخمی - مسعودی خراسانی - مسعود تابتی - حسینقلی خان نواب



این مراسله بوزارت امور خارجه رسید :

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس از مندرجات مراسله که آقای وزیر مالیه در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۱ (۲۷ نوامبر) بمدیر مقیم کپانی نطق انگلیس و ایران نگاشته اند اطلاع حاصل کرده اند . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اقدام دولت ایران را در الغای امتیاز کپانی يك تقض غیر قابل قبولی از مقررات امتیاز مزبور دانسته و اقدام دولت ایران را در این باب با نهایت درجه اهمیت تلقی مینماید و بدوستدار دستور العمل داده اند که استرداد بلا تامل اعلامیه صادره بکمپانی را خواستار شوم .

۲ - بعلاوه دستور العمل دارم اظهار کنم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنوز امیدوارند که دولت ایران تحمل زحمات خواهند نمود که بوسیله مذاکرات مستقیم با کپانی قرار دوستانه در این باب بدهند . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان چنانچه لزومیتی پیش آید تامل نخواهند نمود که همه گونه اقدامات مشروع برای حفظ مصالح حقانی و مسلم خود بعمل آورند .

۳ - بالاخره محترماً اشعار میدارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگونه خسارتی که نسبت بمنافع کپانی وارد آید بامداخله در مؤسسات یا عملیات تجارتي آنها در ایران بشود تحمل نخواهند نمود .

این بود مراسله مورخه ۱۱ آذر که قرائت کردم بنده پس از آنکه مدلول این مراسله را باستحضار دولت رسانیدم در دوازدهم آذر به این مضمون به سفارت انگلیس جواب نوشتم .

در جواب مراسله شریفه مورخه ۱۱ آذر ۱۳۱۱ بنمره ۵۸۹ محترماً زحمت افزا میشود

۱ - دولت ایران خود را در الغای امتیازنامه داری ذبح میداند و با استرداد مراسله جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه به مستر جکس مدیر کپانی نفت جنوب مشعر بر الغای امتیازنامه موافقت ندارد دولت شاهنشاهی

خود را مجبور می بیند که این موضوع را برای اعمال حق خود در حفظ مصالح اتباع خویش مورد اقدام قرار دهند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از اول وهله چنانچه دوستدار در ضمن مراسله خود مورخه ۱۱ آذر خاطر نشان نمودم و بطوریکه در طی بیانات معاون وزارت امور خارجه انگلستان در تاریخ ۱۴ آذر در مجلس مبعوثان انگلیس مجدداً اظهار گردیده مایل بوده اند که يك قرارداد دوستانه فیما بین دولت ایران و کپانی نطق انگلیس و ایران داده شود لکن دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتوانند مراسله مورخه ۱۲ آذر دولت ایران را طوری محسوب دارند که زمینه رضایت بخشی برای يك چنین قراری در آن پیشنهاد شده باشد چنانچه دوستدار در تاریخ ۱۱ آذر توضیح داده ام دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اقدام دولت ایران را در الغای امتیاز يك تقض غیر قابل قبولی از مقررات سند مزبور محسوب مینمایند و بنا بر این استرداد اعلامیه را که در تاریخ ۶ آذر بکپانی ابلاغ شده است تقاضا نمودند نظر باینکه دولت ایران در طی جواب خود هیچوجه دلیلی اظهار نمیدارند که بيك نحوی مجوز اقدام آنها بوده باشد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بایستی تقاضای خود را تکرار نمایند .

۲ - چنانچه دولت ایران حاضر نباشند اعلامیه خود را دائر بالغای امتیاز در طرف يك هفته از تاریخ آن مراسله یعنی تا روز پنجشنبه ۲۴ آذر مسترد دارند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان چاره نخواهند داشت جز این که موضوع مشاجره را که بین خود دولت ایران در باب مشروع بودن اقدام دولت ایران پیش آمده با قید فوریت و در تحت Optional clause بدیوان دائمی دآوری بین المللی لاهه مراجعه کنند در موقع اقدام باین امر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از محکمه مزبور تقاضا خواهند نمود که بر طبق ماده ۱۴ اساسنامه اقدامات موقتی را که برای حفظ حقوق خود باید اتخاذ بنمایند تعیین کنند

۳ - علاوه بر این دستور العمل دارم اشعار نمایم که

دولت دوستدار رویه مذکوره در جمله سوم مراسله جناب اشرف را دائر باین که دولت ایران نمیتوانند خود را مسئول خساراتی که بشرکت وارد میشود بدانند نمی پذیرند بالعکس محترماً خاطر جناب اشرف را مؤکداً مستحضر میسازم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دولت ایران را مستقیماً مسئول خساراتی که نسبت بمنافع بکپانی وارد آید و همچنین مداخله که در امور مؤسسات یا عملیات تجارتي آنها در ایران بشود و یا قصور در دادن حمایت کافی بکپانی میدانند در صورت حدوث هرگونه خسارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را محق خواهند دانست که هرگونه اقداماتی را که وضعیت برای حفظ کپانی ایجاب نماید بعمل آورند .

موقع را مفتنم شمرده احتیاطات فائقه خود را تجدید مینمایم بعد بنده در ۲۰ آذر (یکشنبه) از طرف دولت جوابی باین مراسله داده ام که عیناً برای اطلاع آقایان محترم قرائت میکنم آقای وزیر مختار

در جواب مراسله آن جناب مورخه ۱۷ آذر (۸ دسامبر) بنمره ۶۰۴ که در جواب مراسله دوستدار مورخه ۱۲ آذر مرقوم رفته است محترماً زحمت افزا میشود

۱ - جمله اول مراسله شریفه منتهی میشود باین که اولیای دولت ایران دلیلی که مجوز اقدام ایشان برای الغای امتیاز نامه داری باشد نیابورده اند و بنا بر این دولت پادشاهی انگلستان باید تقاضای خود را در استرداد الغای مزبور تکرار نماید .

در جواب جمله مزبور زحمت میدهم که دولت ایران دلایل عدم رضایت خود را از رفتار کپانی نطق مکرر خاطر نشان نموده و تصور نمیکرد که تکرار مکرر محل احتیاج باشد دولت ایران در صورتیکه موفق نشود با کپانی قرارداد رضایت بخش جدیدی منعقد نماید و برای اثبات حقانیت خود در نسخ امتیازنامه داری محتاج بمراجعه بمحکمه شود دلایل خود را مشروحاً بیان خواهد نمود و جای تأسف است که بی میلی اولیاء دولت شاهنشاهی بوارد شدن

بمباحثه و مناقشه نظر بحسن نیتی که در این کار داشته‌اند (و این فقره موجب شد که دستدار در مراسله خود بشرح و بسط علل اقدام دولت در الغای امتیاز نامه داری (نیرداختم) در نظر اولیاء دولت انگلستان چنین جلوه‌گر شده است که دولت ایران مجبوری بر صحت اقدام خود ندارد حالیه نیز برای این که دولت پادشاهی انگلستان تصور نکند دولت شاهنشاهی ایران استنکافی از ذکر دلائل الغای امتیاز دارد دستدار بذکر اجالی از آن میبرد از علاوه بر این که امتیاز نامه داری فی حد ذاته موافق مصالح مملکت ایران ترتیب داده نشده و حقوق حقه مملکت در موقع اعطای آن یا بمان گردیده این امتیاز نامه در زمانی تحصیل شده است که بدبختانه در موقع اعطای اینگونه امتیازات ملاحظه صرفه و مصلحت مملکت نمیشده و گیرندگان امتیازات از بی اطلاعی مصادر امور آزمون سوء استفاده مینمودند بملاوه در تحصیل امتیازات در آزمون همه نوع وسائل تهدید و تضییق اعمال میشد بطوریکه در نتیجه تهدیدات و تضییقات مزبوره اعطاء کنندگان امتیاز آزادی نداشت که از دادن این گونه امتیازات خودداری نمایند خود آن جناب و دولت پادشاهی انگلیس تصدیق خواهند نمود که دنیای امروزه اعتباری برای قراردادهای امتیازاتی که باین نحو تحصیل شده باشد قائل نشده و آنها را الزام آور نمیشمارد.

قطع نظر از معایب فوق رفتار و عملیات کمپانی نفت ب دولت ایران بر همان امتیاز نامه غیر مرضیه نیز منطبق نبوده و کمپانی همواره از رعایت حقوق دولت ایران بر طبق همان امتیاز نامه بدو غیر معتبر هم قصور کرده و موجبات تضییق حقوق دولت ایران را فراهم نموده است مثلاً مطابق امتیاز نامه داری کمپانی بایستی از تمام عواید خود و کمپانیهای فرعی بدون استثناء صدی ۱۶ بدولت ایران تأدیه نماید نتیجه منطقی این تمهد کمپانی این است که دولت ایران باید حق نظارت در مصارفی که قبل از رسیدن بعایدات خالص از عواید کمپانی کسر میشود و

کمپانی بر خلاف نص امتیاز نامه از تأدیه حق دولت ایران خودداری نموده و عملاً امتیاز نامه مزبور را بی اعتبار ساخت و اگر چه دولت ایران مکرر در صدد استیفای حق خود و تصفیه محاسبات گذشته بر آمد متأسفانه اقدامات دولت منجر به نتیجه که مورد تصدیق دولت ایران باشد نگردید همچنین البته بر آن جناب مخفی نیست که مطابق امتیاز نامه داری کمپانی باستثنای موارد معینه معافیت گمرکی دارای هیچگونه معافیتی از مالیاتهای مملکتی نبوده و در همان حال محکوم قوانین داخلی ایران میباشد و با وجود اینکه از سنه ۱۳۰۹ مالیات بر عایدات در ایران بر قرار گردیده و با این که کمپانی مکلف به اطاعت از قوانین مملکت ایران میباشد معذک تا بحال از تأدیه مالیات خود داری نموده و بی اعتنائی خود را نسبت بقوانین مملکت ظاهر ساخته است.

یقیناً آن جناب محتاج نخواهند بود که دستدار توسعه و بسط امروزه کمپانی را تذکر بدهم و دارائی آن را تشریح نمایم این نکته مسلم است که تمام دارائی مزبور از منابع ثروتی ایران تأسیس شده است با وجود این اگر عایدات دولت ایران را از بابت نفت با عوائد خود کمپانی مقایسه نمایم معین خواهد گردید تا چه اندازه مملکت ایران از این معامله مغیوب گردیده است و بچه نحو غیر عادلانه عوائد مملکت شاهنشاهی در معرض تضییق واقع شده و چگونه با ثروت حاصله در ایران کمپانی نفت فعلاً در نقاط دیگر عالم مشغول کار شده و از اینجهت نیز آتیه نفت ایران را تهدید مینماید.

با وجود اینکه کمپانی از منابع نفت ایران استفاده کلی میکند و ملت ایران حقاً متوقع بود که نفتی را که برای حوائج صنعتی و حمل و نقل لازم دارد بقیمت مناسبی تحصیل نماید معهداً نفت و مواد مستخرجیه از آن در این مملکت و حتی در نقاط محل استخراج از طرف کمپانی بقیمتهائی بفروش میرسد که از قیمت سایر ممالک گراف تراست و باین واسطه حوائج صنعتی ایران دچار عسرت میباشد.

اگر بخواهیم نمونه دیگری از بی اعتنائی کمپانی نفت نسبت بمنافع ایران ذکر بکنیم این است که با وجود این که مطابق امتیاز نامه داری کمپانی حق استخراج نفت را در تمام ایران باستثنای پنج ایالت دارا بود و موجود بودن نفت هم در تمام ایران محل شبهه نیست و خود داشتن حق مزبور کمپانی را ملزم با استفاده از آن مینمود معذک کمپانی در عوض اینکه تمام فعالیت خود را در ایران تمرکز داده و بواسطه تکثیر بهره برداری خود بدولت ایران نیز منافع بیشتری عاید دارد از يك طرف بهره برداری خود را در ایران محدود کرده و از طرف دیگر در خارج از ایران همواره برداثره عملیات خود می افزاید.

باتمام تخلفات مذکوره فوق معذک دولت ایران مکرر در صدد برآمد که روابط خود را با کمپانی در روی اساس محکم و براننده گذارده و بتمام این اختلافات خاتمه دهد ولی متأسفانه تمام مجاهدات دولت ایران به نتیجه عملی منجر نگردید حتی در تابستان گذشته دولت ایران ابراز میل نمود که کمپانی نماینده خود را بطهران بفرستد تا اینکه در اینجا قرار قاطعی داده شود ولی کمپانی بعد بحران عمومی از فرستادن نماینده اختیار دار خود استنکاف ورزید.

پس با این نوع رفتاری که کمپانی بادولت ایران نموده که از يك طرف از اداء حقوق دولت سربچی کرده و از طرف دیگر برای اصلاح اساس امتیاز نامه حسن نیتی بروز نداده است اولیای دولت پادشاهی انگلستان چگونه اقدام دولت ایران را بی مجوز شمرده و خود را در وارد نمودن تضییقات بدولت ایران ذبیح میداند.

۲ - نظر بمراتب فوق چنانکه دستدار در مراسله سابق خود اشاره کرده بوده دولت ایران خود را در الغای امتیاز نامه داری ذبیح دانسته و موردی برای استرداد الغای آن نمی بیند این نکته را نیز دستدار خاطر نشان مینماید که دولت شاهنشاهی ایران همواره تعهدات بین المللی خود را محترم شمرده و دائماً سعی بوده است که

عملیات خود را مبنی بر حقانیت و عدالت نمایند ولی در همان حال بهیچوجه نمی تواند مشاهده کند که حقوق مسلمه دولت ایران مورد احترام و مراعات واقع نشده و منافع مملکت در معرض تفریط واقع گردد و چون امیدوار است در عصر حاضر در دنیا گوش شنوا برای حرف حساب و حق موجود میباشد لهذا از عرضه داشتن مشکلات خود و تجاوزاتی که به حقوق مملکت ایران میشود بمحاکم بین المللی ذی صلاحیت استنکافی نداشته و همیشه حاضر بوده است در اینمورد هم که آن جناب بنام دولت متبوعه خود و باعتبار ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی داوری مراجعه به محکمه مزبور را خاطر نشان میفرمائید وظیفه خود میدانم که توجه آن جناب را باین نکته جلب کنم که اگر مقررات ماده مزبور رسیدگی باین گونه امور را در ضمن صلاحیت دیوان داوری مشخص کرده بود البته دولت ایران از قبول مراجعه به محکمه مزبور تأمل نمیکرد ولی چنین بنظر میرسد که در اختلافی که بین دولت ایران و کمپانی حاصل شده است محکمه دائمی داوری صلاحیت رسیدگی را نداشته باشد زیرا که ماده ۳۶ اساسنامه مزبور در مواردی که باعتبار Clause facultative باید بدیوان مزبور مراجعه شود صلاحیت محکمه را بنحوی تشخیص داده است که تطبیق بر این مورد نمیکند

۳ - در جمله سوم مراسله شریفه آن جناب تکرار میفرمائید که دولت ایران را مسؤول خسارات وارده بکمپانی میدانیم

اولیای دولت ایران ملتفت نمیشوند که در صورتیکه از يك طرف هیچ نوع شرکتی در عملیات کمپانی ندارند و از طرف دیگر هیچ نوع مزاحمت و مداخله در کارهای کمپانی نکرده و نمی کنند چگونه مسؤولیتی بر دولت ایران وارد خواهد بود.

پس بملاحظات فوق است که دوستدار نیز مکرراً زحمت افزایم شود که اگر خسارتی به کمپانی وارد آید مسؤول آن خود کمپانی میباشد.

۴ - اما این که در مراسلات آن جناب همواره بلزوم انعقاد قرار داد دوستانه با کمپانی اشاره میشود اجازه میخواهم جلب توجه آن جناب را باین نکته بنمایم که دولت ایران هیچوقت استنکاف از انعقاد قرارداد جدیدی که منافع طرفین را منصفانه تأمین نماید نداشته و حالیه نیز ندارد و این حسن نیت خود را عملاً ثابت نموده است و علت اینکه دولت ایران بعد از الغای امتیازنامه داری در صدد مداخله در مؤسسات کمپانی برنیامده و بتصور رسیدن به نتیجه مطلوبه فعلاً نیز در این تصمیم خود باقی است این است که دولت ایران امیدوار بوده است که در عوض دخول در بحث های اصولی و مشاجرات حقوقی کمپانی بدون فوت وقت نماینده مختار خود را بطهران اعزام خواهد نمود که تا بلا تأخیر داخل مذاکره با دولت ایران شده و قراری که منافع حقه ایران را تأمین نماید منعقد سازد ولی متأسفانه دولت پادشاهی انگلستان گویا در عمل مایل نیست که دولت ایران با کمپانی توافق نظری حاصل نمایند زیرا که تهدید و تحویفی که نسبت بدولت ایران از طرف دولت انگلستان بعمل می آید و تقاضای غیر قابل قبولی که میشود عملاً مانع از آن میشود که دولت ایران و کمپانی بتوانند قدمی برای رسیدن بتوافق نظر بردارند و باوجود اینکه تا بحال در مذاکرات دولت ایران و کمپانی سفارت انگلیس مداخله نداشته است حالیه سفارت حائل بین طرفین گردیده و رویه را اتخاذ نموده است که بالنتیجه هر نوع امیدواری در موفقیت بانعقاد قرار داد جدیدی با کمپانی سلب می شود و تأسف اولیای امور ایران این است که دولت انگلستان با آنکه یقیناً از غبن و ضررات دولت ایران بیخبر نیستند بجای اینکه کمپانی را نصیحت و تشویق کنند که از حسن نیت دولت ایران استفاده کرده در اصلاح وضعیت خود عجله نماید برعکس بواسطه تزییق بر دولت ایران کمپانی را تشویق بمقاومت مینمایند اولیای دولت ایران این رویه دولت انگلستان را با روح حق گذاری و مسالمت خواهی

که باید در میان دول دوست و اعضای جامعه ملل حکمفرما باشد منافی دانسته خود را ذبیح میداند که تهدیدات و تزییقاتی را که متوجه دولت ایران شده است باطلاع شورای جامعه ملل برساند.

موقع را برای تجدید احترامات فائمه مقتنم می شمارد جریان امر تاکنون از اینقرار بوده است خاطر محترم آقایان بخوبی مسبوق است و از همین مراسلاتی هم که قرائت شد ظاهر میشود که الغاء امتیازنامه داری از طرف دولت ایران بجهت واقع شد بطور خلاصه دو علت داشت یکی اینکه اساساً از امتیازنامه داری ناراضی بودیم بواسطه اینکه با منافع حقه ما توافق نداشت (نمایندگان - صحیح است) دیگر اینکه کمپانی نفت از مواد همان امتیازنامه هم تخلف میکرد (صحیح است) و برای دولت ضرر اندر ضرر میشد بالاخره دولت ایران بر این عقیده شد که مادام که امتیازنامه داری را معتبر می شناسد موفق باصلاح این وضعیت نمیشود این بود که اقدام بالغاء آن کرد ولی مقصودی نداشت جز اینکه روابط خود را با کمپانی انگلیس و ایران بر روی اساس صحیحی که منافع طرفین را منصفانه تأمین نماید بگذارد و بهمین ملاحظه در مراسله که آقای وزیر مالیه بنمایند کمپانی مزبور مشعر بر الغاء امتیازنامه داری نوشته خاطر نشان کرده که دولت حاضر است با کمپانی داخل مذاکره برای عقد امتیازنامه جدیدی بشود و امیدواری داشتیم که بالاخره کمپانی برای استرضای خاطر دولت و ملت ایران حاضر شود متأسفانه این انتظار ماهنوز بوقوع نرسیده و مداخله دولت انگلیس و مراسلات متبادله که برای آقایان قرائت کردم مانع شده است از اینکه دولت ایران بتواند با کمپانی داخل مذاکره شده قرار رضایت بخشی در کار بدهد يك امر هم مشاهده میشود که مایه مزید تأسف است و آن القاء شبهاتی است که در جرائد انگلیس و سایر ممالک خارجه در افکار عامه شده عمل دولت ایران و قول و فعل او را برخلاف حقیقت جلوه میدهند بعضی میخواهند این عمل را در تحت تأثیرات

دیگر قلمداد کنند جماعتی دولت ایران را دارای افکار ضد خارجی و الغاء امتیازنامه داری را ناشی از آن افکار میخوانند بعضی دیگر از اغتشاش اماکنی که مؤسسات نفت در آنجا هست و مزاحمت نسبت بانها صحبت میکنند و بانسواطه افکار را مشوب یا پریشان میسازند و حال آنکه همه کس میداند که در این دوره و این ایام در کلیه مملکت ایران خاصه در نواحی که مؤسسات نفت آنجا هست آسایش و امنیت کاملاً برقرار است (عموم نمایندگان - صحیح است) نسبت بخارجیان هم کسی ضدیت و مزاحمتی ندارد دولت ایرانهم مداخله و تعرضی نسبت بمؤسسات نفت نموده و کافی السابق مؤسسات مزبور را مشمول حمایت خود میسازد بلکه احتیاطاً بر مراقبت و مواظبت خود افزوده و یقین است که خسارتی در داخله ایران بکمپانی و مؤسسات آن وارد نخواهد آمد مگر اینکه کسی صرفه خود را در این بداند که عمداً بکمپانی خسارت وارد آید بالاخره مقصود واحد دولت ایران حفظ حقوق و منافع خود میباشد دولت ایران میگوید این نفت و مواد مشتقه آن که در ایران بدست می آید ملك و مال ملت ایران است (عموم نمایندگان صحیح است) و باید باین ملت بهره که متناسب با استحقاق و حق مالکیت اوست برسد (صحیح است) آنچه تا کنون باو می رسیده قدر قابل نیست و قبول آن اسباب بد نامی است و اگر روزی بوده است که ایرانیها یا اولیای آنها غافل یا فاسد بوده و این منبع ملی را موضوع يك معامله غبن آمیزی کرده و در حدود همان معامله هم اسباب تأمین حقوق مملکت را فراهم نکرده اند دلیل نمیشود که امروز که چشمها باز شده همان طریقه و رویه دوام داشته باشد البته کسانیکه سرمایه مالی و فی خود را برای این منبع ثروت بکار برده اند باید استفاده عادلانه خود را از آن بکنند اما ملتی که این ثروت متعلق باوست انصاف نیست که محروم و مغبون بماند (صحیح است - صحیح است) این است حرف حسابی ما که مکرر گفته و نوشته ایم و باز خواهیم گفت تا وقتی که حق بحق دار برسد (صحیح است - صحیح است) از

این گذشته دولت ایران نه نسبت بدولت انگلیس سوختی دارد نه نسبت بکمپانی عداوتی و نه با هیچ يك از خارجیان ضدیت و مخالفتی حق خود را میخواهد و بس (صحیح است - صحیح است) و بهر وجه و طریق هم باشد دست از استیفای حق خود نمیکشد (صحیح است) امیدوارم از این بیانات مطلب ما کاملاً روشن و شهبانی هم که در اذهان وارد شده مرتفع شود (احسنت - احسنت)

رئیس - آقای موید احمدی

موید احمدی - بنده اولاً میخواهم مبین احساسات اهالی ایران و مجلس شورای ملی ایران باشم و حقیقه از اقدامات هیئت دولت تشکر کنم و همینطور که ملاحظه میفرمائید علاوه بر تلگرافاتی که از عموم ایالات و ولایات بلکه بلوکات و قصبات و دهات بمرکز میرسد و از این اقدام دولت تشکر میکنند کاغذ های زیادی هم هست که با پست از کلیه ولایات بهر يك از آقایان و کلاء رسیده است البته ایشان را ملاحظه فرموده اید که چه بهجت و سروری در عامه مردم از این اقدام دولت پیدا شده است که واقعاً بنده که در این انقلابات این چند سال داخل بوده ام کمتر نظیر این اقدام را دیده ام اوراق مطبوعه که از کرمان با این پست برای بنده فرستاده بودند حاکی بود که در همین جمعه گذشته تقریباً سی هزار نفر جمعیت در میدان ارک کرمان مشغول بپرواز احساسات بوده اند و بهمان هیئت اجتماع به تلگرافخانه آمده و به هیئت دولت تشکر عرض کرده اند. لیکن در موضوعاتی که بنده در نظر داشتم عریضی عرض کنم اگر چه جواب آقای وزیر امور خارجه بدولت انگلستان کافی و دارای يك جنبه های حقوقی بوده است لیکن بنده هم لازم دانستم بعضی عریضی عرض کنم: و حقیقه با کمال تأسف این مطلب را لازم دانستم عرض کنم که هیچ تصور نمیشد که وقتی دولت ایران یعنی وزارت مالیه مراسله بکمپانی نطق جنوب مینویسد و با يك کمپانی که امتیازی داشته است طرف مکاتبه و مذاکره میشود دولت انگلستان دخالتی در این موضوع بکند واقعاً اسباب تأثر و تأسف است

حقوقی و قضائی کل دنیا در کلیه معاملات و در کلیه قرار داد ها و در کلیه تعهدات يك ارکانی وجود دارد که همه ممالک آنها را پذیرفته اند و هر يك از این ارکان در هر معامله و قرارداد می متزلزل بشود آن قرار داد و آن معامله باطل و ملغی است و هیچ محکمه وقتیکه یکی از این ارکان متزلزل بشود نمیتواند حکم بصحت آن معامله بدهد مثلاً یکی از ارکان اساسی هر معامله و تعهدی آزادی طرفین متعاملین است و هر گاه یکی از طرفین متعاملین در آن معامله خودشان مجبور باشند آن معامله باطل است و بنده البته اینجا نمیخواهم داخل در این موضوع بشوم که در دوره های سابق این قبیل امتیازات یا این قبیل قرارداد ها روی چه فشار ها و چه تضییقاتی از طرف همه دول نسبت بدولت ایران تحمیل شده است و اگر بتاریخ رجوع فرمائید بهمین تاریخ اخیر یعنی از ۱۳۱۵ قمری تا بروز دولت پهلوی در این چند سال چه معاهدات و چه قرار دادهائی (که همه بحمد الله الغاء شد) بسته شده بود هر يك از آنها يك تاریخی دارد که آنها در تحت چه مضیقه ها و چه فشارهائی این نوشتجات را از دولت ایران میگردانند پس همینطور که در مراسله آقای وزیر امور خارجه اشاره شده است که این قراردادها بچه شکل گرفته میشد دیگر بنده پیش از این نمیخواهم در این موضوع توضیح بدهم که از تراکت خارج شود که در تحت چه مضیقه هائی این قرار دادها را میگذاشتند و اولیای دولت آنوقت هم با آن ضعیفی که مخصوصاً در اواخر سلطنت مظفر الدین شاه پیدا شده بود این جور کارها را میکردند و این جور فرامین را میگردانند و چون حقیقه دولت ایران در این معامله آزاد نبوده و مجبور بوده است از این جهت نمیتوان این قرار داد را صحیح دانست.

یکی دیگر اینکه این هم يك قاعده است در علم حقوق که متعاملین باید عالم بموضوع معامله باشند اگر جاهل در موضوع معامله باشد آن معامله باطل است و بنده عرض میکنم که همان مقنن قرار داد داری را اگر کسی بدقت

مطالعه بکند میداند که اولیای وقت ابتدا ملتفت نشده اند که چه داده اند و چه امضاء کرده اند بکلی بر آنها مجهول بوده است و مخصوصاً در يك دوسیه در وزارت مالیه دیدم که در همان وقتی که این قرارداد بنا بود بسته شود وزیر مالیه کاغذی مینویسد بوزارت امور خارجه و بصدر اعظم وقت که اینجا دو هزار تومان مالیات جزو جمعی دارد حالا که این امتیاز را میدهند این دو هزار تومان از این میروند تکلیف چیست. این بود که در قرارداد يك فصلی گذاشتند که این دو هزار تومان مالیات جزو جمعی را کمپانی بدهد و اصلاً نمیدانستند که موضوع چیست و چون جهل بموضوع داشته اند بدیهی است که هر معامله که متعاملین آن جاهل بموضوع باشند آن معامله باطل است. دلیل سوم بنده بر این موضوع اصلاً صدور این قبیل فرامین است و بنده نمیخواهم بجزه شرح بدهم که در آن تاریخ چه جور فرامینی صادر شده فقط برای نمونه اشاره بدوسه فقره میکنم که در ۱۳۱۸ صادر شده یکی فرمان قصر فجر بود که لغو شد (دستی - فرمان قصر فجر چه بود؟) حالا نمیخواهم توضیح بدهم این موضوع را خوب نیست (صحیح است) یکی دیگر فرامینی بود از مظفر الدین صادر شد که تمام بنادر و سرحدات را انتقال داده بود بیک اشخاصی که اداره گمرک آنوقت مراسله مینویسد بوزارت مالیه وقت که آقا اگر بنادر را فروختید دیگر گمرکی لازم نیست چون آنوقت گمرک سرحدی دائر شده بود. بالاخره مرحوم عین الدوله ملفوف فرمانی از ایشان صادر کرد که آن ملفوف فرمان الان در وزارت مالیه موجود است که خطاب کرده است به عین الدوله که کلیه این فرامین را ملغی کنید. یکی دیگر در ۱۳۱۹ شخص بلژیکی آمده بوده است بطهران و جمعه فنگرافی آورده بوده است که صدا را هم ضبط میکرد و هم پس میداد بالاخره معلوم است يك شب در دربار این فنگراف را برده است و صحبت هائی که کرده بودند بعد پس داد و البته در آنوقت این يك چیز تعجب آوری بوده است و روی همین

قضیه بوده است که فرمانی صادر شد و فرمان را هم آن بلژیکی گراور کرد که الان شصت نمره از آن در وزارت مالیه موجود است که در اولش این است که چون نظر کیمیا اثر بر آسایش عباد و آرامش بلاد و آبادی مملکت و فلان است ما ریاست دار الاصوات دولتی را دادیم باین بلژیکی و امتیاز این موضوع را هم دادیم بایشان که در کل شهرهای ایران ایشان شعبه باز کنند و از این ها وارد کنند و بفروشند حالا نمیدانم بچه نظر آن بلژیکی فرمان را داده بود گراور کرده بودند و آنهم که عرض کردم که شصت گراور آن در وزارت مالیه موجود است علتش این بود که بعضی ها يك سوء استفاده هائی از آن کرده بودند و آن عبارات باینش را برانده بودند و ما پیش را گرفته بودند و انتقالی از املاک دولتی نوشته بودند و الان در وزارت مالیه این فرامین موجود است که بصره و مهر ایشان است و آن سه چهار سطر بالا را هم باقی گذاشته اند باقیش را هم محو کرده اند غرض این است که در آن دوره اینطور فرامین تقریباً روی این جور چیزها غالباً صادر میشده لکن امروز که دولت ایران تمام معاهداتی که با دول سابق داشته با همه دول متحابه داشته در همه تجدید نظر کرده و همه را تغییر داده اند فقط همین این یکی مانده بود و البته نباید کمپانی نفت جنوب متوقع باشد که ملت ایران و دولت ایران سالهای سال بنشینند و همان عملیاتی که در آن دوره کرده اند و این امتیاز را گرفته اند حالا هم عرض کنم بیایند و بایند بآن فرمان باشند و اطاعت کنند یکی دیگر عرض کنم خدمت شما که این معامله غرری بوده است و در کلیه معاملات هم حقیقه این موضوع یکی از ادله مبطله معامله است که غرر در آن باشد و اگر رجوع بفرمائید بمقتضای معاهده عرض کنم آنجا غرر دولت خوب فهمیده میشود. آنگاه تصور میشود کرد که تمام معادن نفت تحت الارضی يك مملکت وسیعی مثل ایران که پراست از نفت باستانها پنج ایالت بيك کمپانی داده شود و اصلاً حق تقبش و نظر

برای دولت نگذارد که يك کنترل صحیحی در جمع و خرج و استخراج و محمل فروش داشته باشد؟ و واقعاً در این معامله گول زده اند و این معامله را غرری کرده اند همین صدی شانزده را از روی چه حسابی بدولت ایران میداده اند برای اینکه هیچ اطلاعات کافی نداشته اند که چقدر استخراج میشود چقدر تصفیه میشود چقدر حمل میشود در کدام بازار بفروش میرود مخارجش چقدر است مخارج صحیح استثناء میشود باسقیم استثناء میشود. چه باقی میماند که صدی شانزدهش حق ما است؟ ابدأ اینها نیست تمام را واگذار کرده اند باستانهای پنج ایالت تمام معادن تحت الارضی ایران را واگذار کرده اند بکمپانی دارسی بدون هیچ قید و شرط بدون هیچ نظارتی صدی شانزده را هم هر چه دلش میخواهد بدهد و این دلیل مقتضی بر غرر دولت و گول زدن دولت است و این معامله غرری است و معامله غرری مطابق کلیه اصول دنیا غلط است و باطل یکی دیگر حقیقه غبنی است که دولت ایران در این امتیاز دارد حالا از همه این مراتب گذشته اینهم يك دلیلی است که خیار فسخ می آورد که دولت ایران حق داشت این امتیاز را فسخ کند. موضوع دیگر که میخواستم عرض کنم وفای بشرط و وفای بتمهد و تعلق در ادعای حق است که آنهم موجب خیار فسخ است در همه قوانین. بنده با شما معامله میکنم با يك شروطی شروطش را عمل نمیکند وقتی که شروطش را عمل نکردم برای آن طرف حقی پیدا میشود که آن معامله را لغو کند و ما ادله دیگر هم داریم در این خصوص که امروز اقدام دولت ایران مطابق حق و حساب و قانون بوده است و کمپانی هم همین دلیل است بر عرضی که بنده میکنم و آن محاسباتی است که دارم اگر بدوسیه اودر وزارت مالیه مراجعه بفرمائید که هر سال بچه شکل صورت حساب بما میداده اند یعنی صورت حساب که نمیدهند عایدات را معین میکنند دو سال ۱۹۳۰ بما میدهند يك ملیون و سیصد و چند هزار لیره و در ۱۹۳۱ بما میدهند سیصد هزار لیره (مهدوی - آبراهم

که رسیدگی میکنیم مثل همین است) خوب چه شده است که حقوق ما بقدر کم شده است در حالی که يك ملیون تن استخراج نفت در ۱۹۳۱ بیش از ۱۹۳۰ بوده است اگر بگوئیم قیمت تنزل کرده حاصل زیاده تر بوده بکمیلیون تن حاصل ۱۹۳۱ بیش از ۱۹۳۰ بوده چه شد که يك ملیون لیره حقوق مارت که حقیقه گویا آقای رهنما یا آقای دشتی در نطق سابقشان يك عبارتی فرمودند که به بنده اثر کرده و آن این بود که شاید يك نظر سیاسی در این بوده که دولت ایران دارای اسعار خارجی برای خرید بعضی اشیاء لازمه نشود و الا یعنی چه چه جهت دارد اینجور بما بدهند و هیچ حق کنترلی هم نداشته باشیم این مسائل بدولت ایران حق داد که این قرار داد را القا کرده لکن بنده باز هم تذکر میدهم که ما هیچ نظر سوئی بدولت انگلیس و کمپانی نداریم فقط حقوق حقه خودمان را مطالبه میکنیم و یکی دیگر بازار شرطی که کمپانی تقض کرده بوده و دولت ایران حق داشت اینکار را بکند این بود که قوانین ایران را اطاعت نمیکرد (صحیح است) در حالیکه مالیات بر عایدات از مجلس شورای ملی گذشته است کمپانی نفت جنوب مالیات بر عایدات بما نداد و اطاعت از قوانین ایران نکرد بهمان شروط و قیودی که در خود آن قرارداد بود بهمان هم عمل نکرد. اینها مجبور کرد دولت ایران را که این اقدام را کرد. و باز بنده میخواهم يك نکته دیگر عرض کنم و شاهزاده افسر تصور میکنم بهتر از همه باین موضوعی که عرض میکنم سابقه داشته باشند و آن این است که همه آقایان البته میدانند در اوایل مشروطه از ۱۳۲۴ باینطرف که ملت ایران آن اوضاع خراب دربار را دیدند که بالاخره آن اقدامات را کردند که دولت ایران مشروطه شد از اول مشروطه هر دسته هر حزب هر جمعیتی که در ایران تشکیل شد یکی از مواد مراسم و ایادش برداشتن امتیاز نفت جنوب بود (صحیح است) که بنده چاپش را دارم چاپ شده در مراغه نامه ها و در دستور هائی که جمعیت ها اتخاذ میکردند از همان وقت این موضوع بود خیلی چیزها بود الفای

کاپتولوسیون بود و چه بود و چه بود یکی هم الفای امتیاز دارسی بود که همه این را میخواستیم از دولت و بعد هم که دولت ایران مشروطه شد بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی هیچ امتیازی صحیح نیست مگر اینکه مجلس شورای ملی ایران آن امتیاز را تصویب کرده باشد و بنده اینجا بفریاد بلند عرض میکنم: مجلس شورای ملی ایران علاوه از اینکه این امتیاز را هیچگاه تصویب نکرده است در دو جلسه قبل هم رسماً الفای دولت را پذیرفته است (صحیح است) و مخصوصاً يك نکته دیگر میخواستم عرض کنم که يك چیزی یاد آمد لکن باز هم اشاره میکنم حالا یاد آمد نیست درست گویا دوره چهارم با پنجم بود که بر حسب تعلیمات کیمانی يك نفر در مجلس شورای ملی يك سوالی از دولت کرد راجع باینکه بعضی اشیاء را از سرحد خارج میکنند بدون اینکه گمرکش را بدولت ایران بدهند باید تخفیف گمرکی در مجلس تصویب شود يك همچو چیزی بود و بالاخره خاطر ام است که بالاخره آقای مستوفی المالك رئیس الوزراء بودند و بنده شب خدمتشان رفتم جمعیت زیادی از آزادی خواهان و اشخاص با فکر آنجا حاضر بودند و مذاکره شد غرض این است که مجلس شورای ملی راجع باینکار يك حرفی زده باشد شما نکند این کار را این بود که مرحوم مستوفی المالك مخصوصاً این اقدام را نکرد و جلوگیری کرد هیچگاه مجلس شورای ملی ایران این قرار داد را که همه ملت ایران الفای آن را میخواستند تصدیق نکرده است و از این جهت بنده هم عرض میکنم منتها این نکته هم در آخر بذهن من آمد که عرض میکنم ما در طول مدت مشروطه ایران از ۱۳۲۴ که دولت ایران مشروطه شد حقیقه مشروطه ما طفلی بود که متولد شدو يك طفلی بود که در ۱۳۲۴ تولد شد و مطابق قوانینی که در دنیا داریم که سن هیجده سالگی سن بلوغ است مطابق میشود با تاجگذاری اعلیحضرت همایونی که آنوقت وقت بلوغ مشروطه ایران بود که اعلیحضرت همایونی تاجگذاری کردند و امروز این ملت مشروطه بالغ را نمیشود تطبیق کرد با

آن دوره که آنطور فرامین صادر میکردند که دارالاصوات نمونه اش باشد منتها حالا هفت سال است از تاجگذاری اعلیحضرت میکذرد و البته تمام قرار داد هائی که بادول خارجه داشتیم درست شد و این یکی هم انشاء الله با اقدامات دولت کاملاً بر نفع ایران و استفاده حقوق ایران خواهد شد (صحیح است) يك كله باقاي افسر عرض میکنم كه « لغو داری » میشود ۱۳۱۱

افسر - صحیح است

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اگر چه آقای وزیر امور خارجه در مراسلاتی که با سفارت انگلیس رد و بدل شده کاملاً حقوقی را داشته اند برای الغاء این امتیاز بیان کرده اند و آن طوریکه تصور شده که حق نداشته اند الغاء کنند امتیاز را کاملاً در مراسلات خوب بیان شده است که حقوقی داشته اند و جای الغاء هم بوده. علاوه بر آن هم ادله حقوق اسلامی را هم که آقای مؤید احمدی ذکر کردند از عین و غرر و فلان و اینها که ایشان همه را بیان کردند که ماحق داشتیم (احتشام زاده - حقوق عمومی) حقوق اسلامی همیشه منطبق بر حقوق عمومی است (صحیح است) علاوه بر همه اینها که ذکر شد بنده يك قسمتی را که منتظر بودم آقای مؤید احمدی بیان کنند و نکردند آن قسمت را بنده عرض میکنم: کمپانی را دولت انگلیس برای حفظ منافع اومی نویسد که الغاء این امتیاز غیر قابل قبول است اما از آنطرف حساب نمیکند که امتیازی را که الغاء آن غیر قابل قبول است برای حفظ منافع متصورشان این حساب را نمیکند که امتیازی را که ماباید بدهیم و منافی که در مملکت ما هست و آنها یعنی کمپانی میخواهد ارزش استفاده کند برای ما آن منافع اهمیت ندارد که الغاء که میخواهیم بکنیم بگویند الغائشان غیر قابل قبول است در صورتیکه اصل منافع و منبع عایدات آنها فقط آنچه که بنده میدانم همانطور که در مراسلات وزارت امور خارجه هم هست تمام منافع آنچه را که این کمپانی تا کنون برده و کمپانیهای فرعی از این تشکیل داده تمام از همین معدن فقط بوده است ولی از هیچیک از آنها منافی

امتیاز نامه آنچه که هست مال ملت است (صحیح است) ملت هم بصدای بلند الغاء دولت را تصدیق کرد (صحیح است) البته دولت هم بیهیچوجه حاضر نخواهد بود يك چنین الغائی را مسترد کند (صحیح است)

[۳ - بقیه شور لایحه تصفیه حساب مدیونین بانك]
رئیس - بکقسمت زیادی از آقایان باز برای دوام این مذاکره وقت خواسته اند ولی بنده گمان میکنم که کارهای جاری ما هم در موقع و نوبه خودش باید رعایت شود (صحیح است) و هيات تصدیق عمومی و تأیید اجتماعی که می فرمائید تصور میکنم برای نمودن احساسات و عقاید ایشان کافی باشد (صحیح است)

در جلسه قبل لایحه متعلق ببانك ایران به شور امروز محول شد و مذاکره در کلیات بود مذاکره در کلیات است آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - در موضوع لایحه بانك ایران که در جلسه گذشته عنوان و مطرح بود چون نماینده از طرف دولت در مجلس حاضر نبود اجمال و ابهامی که در لایحه ملاحظه میشد منظور بود که آشکار بشود و از نماینده دولت سؤالی بشود بهمین جهت لایحه از جلسه گذشته ماند برای این جلسه برای اینکه آقایان اشکالاتی داشتند يك موضوع اشکال که پس از ختم جلسه در خارج تحقیق کردیم اینطور بود که حالا عرض میکنم آن موضوع این بود که بافتیم بانکه بانك ایران طلب زیاد دارد از مردم لیکن مردم بده زیاد ندارد و مطلب دوم این است که بافته شد علاوه از اینکه بده زیاد ندارد مبلغ زیادی بمیزان نهصد هزار تومان هم از بدهی خودش را مردم داده و ما نمیدانستیم پس دو معنی در این لایحه بعد استغنائی که پس از ختم جلسه از وزیر مالیه کردیم معلوم شد که اولاً بانك بدهکاری زیاد در مقابل طلبکاری زیاد ندارد یعنی طلب خیلی زیاد دارد از مردم و بده خیلی خیلی کم دارد و مطلب دیگر اینکه از بده خودش نسبت بمردم تا بحال مقدار نهصد

هزار تومان داده و از این نهصد هزار تومان تقریباً یا تحقیقاً مقدار پنجاه هزار تومان بمردم منقعت داده به طلبکارهای بانك. این دو مطلب حالا يك مسئله بود راجع بموادش آن سه ماده را که بنده ملاحظه کردم دیدم که ماده دوم و سوم توضیح ماده اول است (دستی - دو ماده است) ماده دومش توضیح ماده اول است بجهت اینکه در ماده اول مینویسد افرادی که بدهکارند به بانك ایران این افراد یا قرارداد بانك دارند راجع بمنافع با قراردادی ندارند اگر قرارداد دارند موافق آن قرارداد تنزیل را بدهند تا تاریخ تعطیل بانك و اگر قرارداد ندارند تنزیل را موافق معمول بانك بدهند تا تاریخ تعطیل بانك این ماده اول بود ماده دوم توضیح ماده اول است يك امر خارجی در ماده دوم توضیح داده نشده که ماده دوم لازم باشد اگر بهمین معنی کافی است گمان میکنم دیگر ماده دوم موضوع ندارد.

رئیس - آقای احتشام زاده موافقید؟

احتشام زاده - بطوری که نماینده محترم فرمودند ماده اول ترتیب پرداخت ربح را نسبت باشخاص که با بانك طرف معامله بوده اند تعیین کرده است اعم از اینکه قرارداد خاصی با بانك راجع بمراجعه داشته باشند یا اینکه بر طبق معمول و عمل بانك با آنها ربح حساب شده باشد ماده دوم مربوط است با رفاقی که با اشخاص میشود برای اینکه خوش حسابی میکنند که می آیند دین خودشان را با ربحی که قرار داده است بمیردازند در این ماده دوم ارفاقی نسبت با آنها منظور شده است که دیگر علاوه بر آن مقدار ربحی از شان مطالبه نشود. مطابق مقررات عمومی هر کسی بکسی مدیون باشد و يك قرارداد خاصی راجع بمراجعه بین آنها حکم فرما باشد محاکم مکلف هستند بر طبق ربح و قرارداد معمولی بین دو نفر متعاملین حکم صادر کنند از مدتی که دین واقع شده است تا موقع پرداخت ولی این ماده آمده است يك ارفاقی نسبت بمدیونین بانك کرده است که اگر چنانچه بیابند بدهی خودشان را مطابق ماده اول بمیردازند و دیگر از موقعی که بانك

تعطیل شده است ربیعی بآنها تعلق نخواهد گرفت و بیک تشویقی به مدیونین بانک شده است که تسهیل شده بیابند دین خودشان را به بانک بپردازند تصور میکنم اگر چنانچه این ماده درم را بر طبق نظر نماینده محترم حذف کنیم این ارفاقی را که دولت در نظر گرفته نسبت به مدیونین بانک از بین می رود بنده قطع دارم با توضیحی که عرض کردم نماینده محترم موافقت خواهند فرمود که یک اشخاصی اگر بیابند دین خودشان را بیا بانک بپردازند این ماده هم برای تشویق و ترغیب آنهاست بنادیه دینشان و یک ارفاق فوق العاده هم هست نسبت بآنها.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم این لایحه در جلسه گذشته که مطرح شد دو ایراد داشت یک ایرادی که ما گرفتیم و در کلیات صحبت کردیم این بود که بانک باید همانطور بیکه طلبش را وصول میکند بده مردم را هم بپردازد. عرض کنم بطوریکه بنده دیروز از آقای مشار الملک شنیدم بانک تقریباً چهل پنجاه هزار تومان بیشتر بده کار نیست آقای شیخ الملک هم البته اینجا توضیح دادند ولیکن این قسمت را باید آقای وزیر مالیه جواب بدهند. آقای وزیر مالیه خواهش دارم صحبت کنند که طلبکارهای بانک وضعیتشان در چه حال است و تا بحال چقدر بآنها داده است و چقدر دیگر باقی است. آقای وزیر مالیه که حالا هستند باید توضیح بدهند و یکی دیگر اصلاً بنده با این لایحه مخالفم فایده این لایحه چیست اصلاً. شما لایحه آورده اید به مجلس که مجلس اجازه بدهد که ارفاق کنید با مدیونین. ارفاق کردن با مدیونین مستلزم آوردن لایحه به مجلس نیست. بانک استقراضی بانک ایران اصلاً یک مؤسسه خصوصی مستقل است با مردم معامله میکنند این اصلاً لزوم به لایحه آوردن نیست. بانک میخواهد ارفاق بکند یا نمیخواهد بکند یا قرار داد ببندد لایحه آوردن برای چیست. برای اینکه مجلس قبلاً یک قرار دادی را وضع نکرده است که حالا برای ارفاق اجازه از مجلس میخواهید بنا بر این اصلاً

مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که با بانک استقراضی قرار داد مخصوصی راجع بفرع نداشته اند بتقاضای بانک باید فرع مبلغ بدهی را بنرخ و ترتیب معمول بانک استقراضی سابق تا تاریخ تعطیل بانک استقراضی ببا نك ایران تأدیه نمایند.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - عرض کنم در این ماده بطوری که آقای وزیر مالیه فرمودند منظور ارفاق است به مدیونین در قسمت اول میگوید اشخاصی که با بانک قرار داد فرعی دارند تا زمان تعطیل بانک بپردازند و فرمودند منظور این است که در مدت تعطیل از کسی فرع مطالبه نکنند بنده تصور میکنم این کاملاً واضح است که وقتی یک مؤسسه بانکی که مثل یک مؤسسه تجارته است تعطیل شد و نتوانست معاملات خودش را ادامه بدهد با اشخاص حالت توقف پیدا میکند مؤسسه تعطیل میشود مؤسسه میبایستی در همان زمان مطابق مقررات مملکتی تقاضای توقف بکند و محکمه تشکیل بشود حالا نشده است منتهی اگر نشده خودش بخودی خود تعطیل گردد این قطعاً حق نخواهد داشت که فرعی مطالبه کند پس این ارفاقی نشده و قسمت دیگر این است که بنظر بنده در این ماده یک تحمیلی میشود. قسمت اشخاصی است که هیچگونه قراردادی ندارند آنهاست که هیچگونه قرارداد فرعی ندارند خوب. اگر قوانین جاریه مملکتی اجازه داد که باید فرع بپردازند و اگر اجازه نداد که نمی پردازند پس اینجا یک تحمیلی است. آنهاست هم که قرار نداده اند آنها هم باید بپردازند آنچه را که بنده در بازار اطلاع دارم محاسبات بانک با اشخاص مخصوصاً با تجار دو قسم است یک قسم محاسبات نقدی است که البته آنها در همان موقعی که استقراض کرده و پول می گرفتند حسابش معین است که با چه فرعی باید بپردازند. یکی محاسبات جنسی

است. محاسبات جنسی را در این مملکت تنها بانک با اشخاص نداشت. خیلی از مؤسسات تجارته همین محاسبات را داشته اند از برای هیچکدام از آنها مسئله فرعی در کار نبوده اصل طلب خودشانرا هم بزورکی وصول میکنند ولی اینجا در این ماده بانها هم میخواهند تحمیل فرع کنند. و بنده گمان میکنم این نظر نقیض نظر خود دولت است که این لایحه را از برای ارفاق آورده و اگر به یک دسته یک ارفاقی شده وضعیت طوری بود که منجزاً می توانستند استفاده کنند. در زمان تعطیل چه حقی بانک داشته. خودش دائر نبوده که مدیون بیاید ادای دین خودش را بکند. البته بانک این حق را ندارد که از باب آن زمان فرعی از کسی مطالبه کند ولی برعکس بر اشخاصی که هیچگونه حقی از بابت فرع نداشته اند و بموجب قوانین جاریه محکوم بفرع نخواهند شد در اینجا تحمیل فرع میکنند بنده خواستم استدعا کنم که در اینجا یک نظری بفرمائید که بان اشخاصی که مطابق قوانین جاریه فرع تعلق نمیگیرد یک تحمیلی نشود.

وزیر مالیه - عرض کنم در باب اینکه آدم یک قرضی

از بانک کرده و پس داده یا این که باید پس بدهد و فرعی را هم بدهد نه تنها هیچ ایرادی بر این لایحه نیست بلکه لایحه متضمن ارفاق زیادی است اگر کسی میخواست که اینکار را سهل یاسنگین تصور کند و میخواست طوری باشد که اصلاً نگیرند خوب بود اینطور آدم فرض کند و بگوید که خوب یک وقتی یک بانکی بوده و یک قرضی داده حالا مدتی هم گذشته و بده کارش هم قوت و استطاعتش فلان طور شده. والا این که بانک تعطیل شده بانک چرا تعطیل شده توقف که نکرده تعطیل هم نشده توقفش موجبات سیاسی داشت که آقایان میدانند و بالاخره مالیش عوض شده و منتقل شد به دولت ایران پس توقف او برای اینکه دارایش از قرضش کمتر بوده نبوده بلکه دارایش خیلی بیش از قروضش بوده و طلب زیادی از مردم داشته توقف این است که یک کسی برای گرفتاری مالی برود

لایحه آوردن به مجلس بعقیده بنده کار لغوی است.

رئیس - آقای روحی موافقت؟

روحی - عرضی ندارم

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - اینکه فرمودند لایحه چرا به مجلس آوردند برای اینکه هم در قسمت ارفاق و هم در قسمت نگرقتن فرع هر دو لازم است به مجلس بیاید اگر همچو فرض کنید که بانک حق داشته است مطابق قراری که با اشخاص دارد در مدت معین تمام را فرع بگیرد وقتی که میخواهد نگیرد چون بانک حالا متعلق بدولت است آنوقت مسئول میشود دولت که چرا نگیرد این ارفاق و بخشش که از تاریخ تعطیل تا فلان موقع نگیرند این اجازه مجلس را لازم دارد. از آنطرف هم اینکه ملاحظه فرمودید اول تا آخر اسفند بود و حالا تا آخر تیر کردند برای این بود که ارفاق بیشتری باشد ولی آتهائی هم که قبل از مدت مقرر ندهند برای آنها هم مقرراتی باید رعایت بشود تا مردم بدانند که مسلماً باید بیابند و دین خودشان را بدهند اما اینکه چقدر بانک مطالبات و قروض دارد بنده به حساب صحیح نمیتوانم بگویم بطوریکه خود آقای دشتی هم فرمودند از آقای مشار الملک شنیده اند و ایشان برای این حسابها حاضر الذهن تر هستند ولی آنچه که مسلم است این است که بدهی بانک کمتر است و لهذا ما این لایحه را آوردیم و بانک میتواند طلبش را وصول کند تمام قروضش را بدهد ب مردم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایانیکه با ورود در شور در مواد این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

ماده اول - مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که راجع بفرع وجوه بدهی قرار دادی با بانک استقراضی سابق داشته اند بتقاضای بانک ایران باید مطابق قرار داد مزبور فرع مقرر را تا تاریخ تعطیل بانک استقراضی به بانک ایران بپردازند

در عدلیه و اظهار افلاس کند. حالا در زمان تعطیل چه حق داشته بگیرند زمان تعطیل یکی در سال بیشتر نبوده بعد از آن بانک باز شد و اداره داشت و بانک ایران بتمام طلب کارها گفت بیسائید طلب مرا بدهید. اینجا برای اینمدت ده دوازده سال بلکه برای تا آخر تیر ماه آینده اشخاصی را که باید فرع بدهند از روز تعطیل بانک تا این تاریخ معاف میکند. و البته این يك ارفاقی است. در آن تاریخ که اشخاصیکه از بانک پول قرض میکردند خوب میدانستند که باید این قرض را پس بدهند و همان قرض بترتیب جاری بانکی بوده در آخر شش ماه جمع میکند به حسابش. مطابق همان ترتیب معمولی که همه بانکها دارند و همه جا معمول است. و حالا هرچه بدهند بموجب این قانون البته خیلی کمتر از آن خواهد بود که مطابق ترتیب جاری خود بانکها است و مسلماً ارفاق هم در ضمنش است از حیث تجارتنی. پس بر این هیچ ایرادی نیست. اما راجع به محاسبات جنسی. اولاً بدانید که این غالبش راجع به نقدی است بلکه همه اش معاملات نقدی است اما اگر معاملات جنسی هم باشد که بنده نمیدانم این لایحه اینطور است که تا فلان تاریخ باید جنسش خبرش را بدهد و حق فرعی ندارد و اگر نداده و موقعش رسید و بانک مطالبه کرده معلوم است که در دفتر بانک مقروض میماند. والا اگر بخواهید بفهمائید که بانک حق ندارد از او فرع بگیرد این رسم نبوده است. این است که بهمین ترتیب تجارتنی عمل میشود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده در اینکه کم بدهد یا زیاد بدهد فرع را در این قسمت وارد بحث نمیشوم و راجع باین حرفی نمیزنم بنده عرض میکنم بانک استقراضی یا بانک ایران يك معاملاتی با مردم دارد مطابق يك شرایطی با مردم معامله میکند و میگوید فلان پول را فلان قدر فرع میگیرم این ابتدا مربوط بمجلس نیست. بنده باوجود اینکه آقای وزیر مالیه توضیحات دادند متقاعد نشدم

دیگر حد اعلایش بود) ولی آنکه عاقل نبود نداد و حالا يك بلائی مانده بر سرش. در قسمت سوم که فرمودید طلب بانک را در مقابل اسناد بدهی اش بدهد این را بنده حالا نمیدانم چه عرض کنم ولی همه اینها اینجا نوشته شده است که اگر يك کسی بدهی دارد و در مقابلش باید هرکس بده دارد برود قراری بگذارد بنده امیدواری کلی دارم میل بانک هم بر این است که اشخاصی که حاضر شوند بدهشان را بدهند حاضر است با آنها قراری بدهد و البته هر قدر که ممکن است سختگیری نخواهد شد و میخواهند تسویه شود ولی اگر کسی نخواهد و حاضر نشود تا آن روز آخر یعنی اول تیرماه هم تأدیه کند لابد يك جریمه در نتیجه بر آن تعلق میگیرد و آن دیگر البته تقصیر خودش است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانچی کرده اند قرائت می شود:

پیشنهاد آقای طهرانچی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول از کلمه مدیونین الی آخر حذف شود

رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - هر يك از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که بدهی خود را بترتیب مذکور در ماده فوق تا اول تیر ماه ۱۳۱۲ با بانک ایران تصفیه و تأدیه نمایند از تاریخ تعطیل بانک استقراضی سابق تا زمان تأدیه فرع دیگری از آنها مطالبه نخواهد شد.

هر يك از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که تا اول تیر ماه ۱۳۱۲ بدهی خود را اصلاً و فرعاً بطوری که در ماده فوق مقرر است نپردازند از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و در صورت عدم ابلاغ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا محاکمات مالیه تا تاریخ صدور حکم بفرع مقرر در قرارداد و اگر قرارداد مخصوصی راجع بفرع نبوده بفرع معمولی بانک محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ - هر يك از بدهکاران بانک ایران که تا ده روز پس از ابلاغ حکم بدهی خود را اصلاً و فرعاً نپردازد و یا با موافقت بانک قرار دادی راجع بپرداخت منعقد ننماید از تاریخ صدور حکم تا روز تأدیه فرع (از قرار صدی ۱۲) بمحکوم به تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۲ - مقصود از مدیونین مذکور در مواد فوق اعم از ضامن و مضمون عنه و هر يك از امضا کنندگان دیگر اسناد بانک است.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - در این ماده فرق مابین مدیونینی که اظهارنامه با آنها ابلاغ شده و مدیونینی که اظهارنامه با آنها ابلاغ نشده گذاشته نشده در صورتیکه بعقیده بنده در قسمت دوم که اظهارنامه ابلاغ نشود مطابق قانون مرور زمان اگر ده سال مدت بگذرد در ظرف مدت ده سال هر کس اظهارنامه فرستاد ادعای او قابل قبول است ولی اگر اظهارنامه فرستاده است چه طرف دولت باشد چه غیر دولت باشد قانون مرور زمان شاملش است و نمیتواند بعد دعوی کند در این ماده تصریح شد که (از تاریخ ابلاغ اظهارنامه در صورت عدم ابلاغ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا محاکمات مالیه) این است که بعقیده بنده این مسئله مخالف مرور زمان است و آقای وزیر مالیه گفتیم مسئله مرور زمان در دعوی دولت هم بایستی شامل باشد و تفاوتی ندارد بعقیده بنده قانون عمومیت دارد و شامل است چه دولت باشد چه غیر دولت یکی هم اینجا نوشته میشود از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا محاکم مالیه این تردید را بنده نمیدانم برای چیست این از مسائلی است که دولت طرف است و باید در محاکم مالیه مطابق قانون محاکمات طرح شود و مربوط بمحاکم عدلیه نیست علتش چیست که این تردید را کرده اند این را هم خوب است توضیح بدهند.

رئیس - آقای طهرانچی موافقید

طهرانچی - خیر

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - این قسمتی که نماینده محترم فرمودند راجع بمرور زمان در این ماده هیچ نظر نبود است که تکلیف خاصی در مورد مرور زمان تعیین کنند و در اینجا هم مثل سایر موارد مشمول مقررات راجع بمرور زمان است اگر چنانچه بانک دعوائی داشته باشد و تا قبل از ده سال اظهار نامه نفرستاده باشد البته دعوی مشمول مرور زمان است در این ماده تعیین تکلیفی برای مرور زمان نخواستند بکنند بلکه منحصراً خواسته اند تعیین تکلیف ربح و منفعت را بکنند این است که در اینجا البته مطابق قانون اصول محاکمات اشخاصی که دین خودشان را نپرداخته اند از تاریخی که اظهارنامه بر ایشان داده شده است یا از تاریخی که اقامه دعوی بر آنها شده است بایستی خسارت تاخیر پرداخت را بدهند در اینجا هم همین مطلب را تصریح میکند منتهی بجای اینکه خسارت تاخیر را مطابق مقررات عمومی بگویند باید مطالبه شود بهمان میزانی که بین بانک و اشخاص مقرر بوده است صد نه صد ده یا صد دوازده که کمتر از میزان معمولی است معین کرده اند پس هیچ اشکالی ندارد مسئله مرور زمان و دعاوی مربوطه بآن هم که تکلیفش در قوانین معین شده و اینکه فرمودید چرا نوشته اند محاکمات مالیه یا عدلیه البته این قضیه مربوط بآینده نیست بلکه يك قسمتش مربوط بگذشته است قبل از تصویب قانون مربوط بدعاوی دولت بر افراد که محاکمات مالیه را مرجع صلاحیت دار اینکار دانسته است قبل از این تاریخ بانک در عدلیه اقامه دعوی کرده است بر اشخاص در اینجا خواسته اند تکلیف آن دعاوی را که در عدلیه اقامه شده است و هنوز تمام نشده است آنها را هم شامل کنند که از تاریخی که اظهار نامه داده است و اگر اظهار نامه داده نشده از تاریخی که عرض حال یا بعدلیه داده اند با مطابق این قانون بمحاکمات مالیه بایستی محکوم بفرع مقرر بشوند و مطابق این ماده رفتار شود

رئیس - آقای طهرانچی

رئیس - آقای مخبر

مؤید احمدی - عرض کنم بنده لارم دانستم چون مخبر کمیسیون عدلیه هستم يك توضیحی عرض کنم. محاسبات بانک را با مردم در کمیسیون که مطرح کردیم دو حال داشت فراموش نشود يك حال محاسباتی است که مردم تا قبل از تعطیل بانک با بانک داشته اند يك قراردادهایی داشته اند که با او عمل میکردند این يك ترتیب يك ترتیب مال از وقتی است که واگذار بدولت ایران شده است تفویض بدولت ایران شده است از حال تعطیل برداشته شده است ایام تعطیل را که بکلی از فرع معاف کرده اند که ابامی که بانک تعطیل بوده و دوره فزوت بانک بوده فرعی مطالبه نمیکند آمدیم سر آن اشخاصی که قرار دادی با بانک داشته اند ایام تعطیل هم فرع بدهند حالا آمده دولت ارفاقی به آنها میکند ارفاق دولت این است که اگر تا تیر ۱۳۱۲ آمد قرضش را پرداخت دیگر اصلاً فرع ازش نمی گیرند (طهرانچی - نمیتواند پردازد) خوب نمی تواند پس بفرمائید اصلاً دولت نگیرد و الا اگر بنا شد دولت بگیرد (طهرانچی - مدت کم است) خوب ممکن است پیشنهاد بفرمائید مدت را بیشتر کنند و در شورت دوم در کمیسیون در نظر می گیریم شاید مدت را زیادتر کنیم و الا اگر مردم بخواهند دینشان را پردازند هیچ ترتیبی بهتر از این نمی شود.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

رئیس - آقایانیکه با ورود در شورت دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

[۴ - تقدیم دو فقره عهد نامه بین دولتهای ایران و ترکیه از طرف آقای وزیر امور خارجه و ابراز مسرت از پذیرائی ایشان]

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید؟
وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - خاطر آقایان محترم مسبوق است که چند هفته قبل بنده بر حسب دعوتی که از طرف دولت جمهوری ترکیه بعمل آمده بود مسافرت بترکیه کردم. هر چند این دعوت و این مسافرت البته فواید سیاسی هم می بایست داشته باشد زیرا که دید و باز دیدهای رجال ممالک البته يك تساهلی دارد ولیکن این دعوت فقط از روی احساسات دوستی و صمیمیت و

یگانگی بوده و از برای يك منظور سیاسی خاصی نبود الا اینکه متوجه شدیم باینکه مابین دولت ایران و دولت ترکیه جدید فقط يك عهدنامه موجود بود که هم شامل مواد عهدنامه مودت بود و هم شامل مواد عهدنامه تأمینیه و بی طرفی و عدم تعرض. و این عهدنامه مدت داشت و مدت آن منقضی شده بود و در صورتیکه مابین دولتهای کمال معیت و صمیمیت و و داد و یگانگی هست این عوالم یگانگی البته بهتر آن است که بموجب نوازشات و اسناد هم تثبیت شود بنابر این اینطور دولتهای مقتضی دیدند که این کار را انجام دهند و دو عهدنامه تشکیل دادیم و امضا کردیم يك عهدنامه مودت مثل همه عهدنامه های مودتی که دولتها باهمدیگر دارند و دولت ایران هم با بسیاری از دول دارد که آن هیچ مدت ندارد و البته باید امیدوار و آرزومند بود که هیچوقت عهدنامه مودت شکسته نشود زیرا هیچ عهدنامه مودتی جز با جنگ شکسته نمی شود (صحیح است) يك عهدنامه دیگر هم بستیم شامل مقرراتی راجع به بی طرفی و غیره و چنانچه عرض کرده خاطر آقایان مسبوق است که عهدنامه که سابقاً بسته بودیم پنج ساله بود و منقضی شده بود حالیه آن قسمت را که يك عهدنامه علیحده کرده و تجدید کردیم باز مدت آن را پنج سال قرار دادیم و این دو عهدنامه را حالا تقدیم مجلس شورای ملی میکنم و تمنی میکنم اهتمام بفرمائید که این عهدنامه ها زودتر تصویب شود یعنی قبل از انقضاء دوره خاصه بجهت اینکه آن عهدنامه مدتش منقضی شده و عهدنامه مودتی رسماً نداریم اگر چه حقیقتاً و معنأ کاملاً با هم مودت داریم اما آن عهدنامه چون مدتش منقضی شده بایستی تجدید شود در این قسمت تمنی دارم آقایان اهتمام بفرمائید که در این دوره این دو عهد نامه تصویب شود. ضمناً کمال شرف و مسرت را دارم که در این موقع اهتمام فرست کنم از اینکه باستحضار خاطر نمایندگان محترم برسانم که در ترکیه از بنده و همراهان بنده که مدعو بودیم يك پذیرائیها و يك مجتبهائی مشاهده شد که فوق همه چیز هائی بود که ممکن بود مترقب باشیم از شخص اول مملکت شخص رئیس جمهور مملکت گرفته نارجال مملکت و رئیس مجلس و رئیس الوزراء و وزراء و مرده و روزنامه

نگارها و ملت همه يك طوری احساسات مودت و برادری نسبت بمان نشان دادند که واقعا همه ماها هر وقت یاد میکنیم از آن پذیرائنها شاد و مسرور می شویم. چون یقین داشتیم که آقایان نمایندگان خوشوقت خواهند شد از اینکه مطلع باشند که مابین دولت و ملت ایران و دولت و ملت ترکیه چه عالم صفا و محبتی است (صحیح است) این بود که بعضی رساننده همیقدر بطور اجمال عرض میکنم که آنچه را بنده دیدم تصور نمیکنم امروز مابین هیچ دو دولتی آنطور عالم یگانگی و برادری که امروز مابین ملتین و دولتین ایران و ترکیه هست برقرار باشد.

نمایندگان - صحیح است

[۵ - تصویب دو فقره مرخصی]

رئیس - از طرف چند نفر از آقایان یاد آوری شده است به بنده که قبل از شروع بکار دیگری دو فقره مرخصی از کمیسیون عرایض و مرخصی بیرون آمده است قرائت کنیم (صحیح است)

خبر مرخصی آقای فزونی

نماینده محترم آقای فزونی از تاریخ پنجم آذرماه ۱۳۱۱ بواسطه گرفتاریهای محلی تقاضای ۲۰ روز تمدید مرخصی نموده اند - کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقایانی که بامرخصی آقای فزونی موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر.

خبر مرخصی آقای میرزا محمد خان وکیل

نماینده محترم آقای میرزا محمد خان وکیل برای رسیدگی بامور محلی از تاریخ هفدهم آذر ۱۳۱۱ تقاضای چهار روز مرخصی نموده و دو عشر از مقرر این مدت را هم اختصاص بسوخت

رئیس - اشکالی نیست. موافقین ورقه سفید خواهند داد (اخذ آراء بعمل آمده ۶۵ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلان رأی ۸۱ نفر به اکثریت ۶۵ رای تصویب شد *

[۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اولاً از آقایان اعضای کمیسیون خارج خواهش میکنم که در گذراندن عهدنامه هائی که امروز پیشنهاد شده است تسریع بفرمایند و از آقایان اعضاء کمیسیون بودجه و قوانین مالیه تمنی می شود که کارهاییکه آنجا هست سرعت تمام کنند و برای جلسه آینده مهیا نمایند و از بودن آقای وزیر امور خارجه استفاده میکنم که خاطر ایشان را متوجه می سازم و تمنی

میکم ایشان خاطر آقایان همکاران خودشان رامطلع کنند که از جلسه آینده که پنجشنبه اولدی است پست و پنج روز بیشتر باقضاء دوره هشتم نمانده (صحیح است) و کارهای حاضر کارهای جاری کارهای را که هر چه دارند به مجلس بیاورند و ماهم از روز اول دی آماده هستیم و اگر ضرور باشد برای همه روز مجلس میکنم تا مجموع کارهای مملکتی تمام شود.

جلسه آینده روز پنجشنبه اول دیماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

لایحه نمره ۳۶۳۷۹ دولت دائر بتقاضای اعتبار مبلغ ۱۵۰۰۰۰ ریال علاوه بر اعتبار منظور در بودجه ۱۳۱۱ مملکتی برای تکمیل مجزی در کمیسیون بودجه مطرح با توضیحاتی که آقای معاون وزارت مالیه نمودند کمیسیون با پیشنهاد دولت موافقت نموده و اینک خبر آن را که عین ماده واحده پیشنهادی دولت است است برای تصویب مجلس مقدس تقدیم میدارد.

رئیس - عین ماده واحده قرائت میشود

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است ۱۵۰۰۰۰ ریال بر اعتباری که در بودجه هذمه السنه مملکتی برای تکمیل مجزی منظور شده است بشرح ذیل اضافه نماید و اگر در نتیجه این افزایش در موازنه بودجه کسری حاصل شود کسر مذکور از صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۰ مملکتی تأمین نماید:

اصل اعتباری که در بودجه منظور است ۷۵۰۰۰۰ ریال مبلغی که اضافه می شود ۱۵۰۰۰۰ ریال

جمع ۹۰۰۰۰۰ ریال

مجموع این اعتبار تا آخر دوره عمل سال ۱۳۱۱ (آخر اسفند ۱۳۱۲) قابل تعهد و مصرف می باشد

* اسامی رأی دهندگان - آقایان: دربابی - روحی - پید محمد تقی طباطبائی - دکتر طاهری - لاریجانی - ملک مدنی احتشام زاده - ننه الاسلامی - افخمی - علیخان اعظم زنکه - فرا گوزاو - بوشهری - مسعود ثابتی - امیر دولتشاهی - میرزایانس طالش خان - میرزا اسد الله قتیبه - مفتی - حبیبی - ملک زاده آملی - طباطبائی دیا - وهاب زاده - مولوی - معتمد سنگ - محبط - دهستانی - دکتر امیر اعلم - دادور - اورنگک - سهرابخان ساکنیان - مقدم - مسودی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - دکتر سمعی فنرجی - معتمدی - اسدی - کفائی - چاپچی - شریعت زاده - مجد ضیائی - فرشی - رضاقلیخان باستانی - میرزا محمد علیخان تربیت - دکتر ملک زاده - میرزا محمد حسین نواب - دبستانی - دکتر لقمان - دکتر احتشام - خواجوی - حاج میرزا حسینخان فاطمی - مهدوی دکتر ضیائی - افسر - موبد احمدی - نجبر فرهمند - افغان - لبقوانی - جدیری - امیر ابراهیمی - ایزدی - هزار جریبی - فهیمی - محمد علی میرزا دولتشاهی - عراقی

قانون

اعتبار اضافی برای تکمیل ممیزی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال (۱۵۰۰۰۰) بر اعتباریکه در بودجه
هنده السنه مملکتی برای تکمیل ممیزی منظور شده است بشرح ذیل اضافه نماید و اگر در نتیجه این افزایش در
موازنه بودجه کسری حاصل شود کسر مذکور از صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۰ مملکتی تامین نماید.

اصل اعتباریکه در بودجه منظور است
مبلغی که اضافه می شود

ریال ۷۵۰۰۰۰

ریال ۱۵۰۰۰۰

جمع ۹۰۰۰۰۰ ریال

مجموع این اعتبار تا آخر دوره عمل سال ۱۳۱۱ (آخر اسفند ۱۳۱۲) قابل تمهد و مصرف میباشد
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصوب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر